

روز اصلاحات



17. 4 Matth

عیسی از آن روز به اعلام پیام خود پرداخت و گفت: «توبه کنید زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است.

Lukas 15,32

32 اما ما باید جشن بگیریم و شادی کنیم، زیرا این برادر توست که مرده بود، زنده شده است و گم‌شده بود، پیدا شده است»!

31 اکتبر 2017 یک تاریخه موهم در المان است. 31 اکتبر 500 سال پیش یک راهب به نام مرتین لوتر است از کلیسای کاتلیک عصر جدیدی در کلیسا شروع کرد. او این کار را به وسیله‌ی یک نامه کرد که او روی در کلیسا در یک شهر قدیمی به نام ویتنبرگ نسب کرد. در این نامه 95 تا از مشکلاتی مختلف را در کلیسا اشاره کرد. یک مشکلا بزرگ سوءاستفاده از قدرت در کلیسا بود. قبل از 1517 حکومت کلیسا در اروپا بود. به این دلیل پاپ و پادشاه با هم اداره می‌شوند. در زمانه زندگی مرتین لوتر پاپ نیز مالیات از مردمها گرفت. هدف پلپ این بود که پول بیشتر از مردمها بگیرد. یک نقشه کشید که با دادنه یک صورت حسب به مردمها گنه یک می شود. این تجارت بین انسان و کلیسا بود هیچ ربطی با خدا نداشت. آن کار کلاهداری بود. چون انسانها فکر می‌کردند با پرداختانه پول به بهشت خواهند رفت. مرتین لوتر ضد این عمل بود. او فخمید که کلیسا از امرزش مردمها در کلیسا سوءاستفاده می‌کند. لوتر به نامه خودش 95 سوال دیگه در مورد مشکلاتها کلیسا اضافه کرد. اما مورد اول بخشش بود که از همه مهمتر بود. چون در آن سوال لوتر ثبت کرد که بخشش تنها از دسته خدا است. امروز کلیسا و سیاست از هم جدا شد. چون امروز کلیسا بخشش را به آن صورت قبول نداد. اما پس چرا امروز هنوز یک جشن اصلاحات که مرتین لوتر شروع کرد داریم؟ با اجازه شما من این جشن و پیغام از مرتین لوتر توضیح می‌دهم. با استفاده از این بخشش در کلیسای قدیمی لوتر هم از سر چشمه اشتباهی کلیسا را تشخیص داد. سر چشمه همه اشتباهت این است: فرار از از کتب مقدس. اگر کلیسا با کلم خدا زندگی کند، و سوءاستفاده کنند از انسان غیر ممکن است. به این دلیل ما یادآوری به مشکلات از گزاشته اختیاج داریم به این تربیب ما خواهیم فهمید چقدر مهم کتب مقدس برای ما در کلیسا است. کتب مقدس یک کتاب تاریخ نیست بلکه یک پیغامه شخصی برای خودمان است. این نیز در سوال اول از نامه مارتین لوتر ظاهرا شده بود. نخستین از 95 پایاننامه در مورد آن بود: هنگامی که پروردگار ما عیسی مسیح گفت: "توبه کنید!" ، او می‌خواست که در توله تمامه

زندگی به توبه و وفادار باشیم. مارتین لوتر از اول در مورد توبه نوشت چون این منبع کلیسا و منبع ارتباطات بین خدا و انسان است. این موضوع خیلی مهم است. ممکن است که انسانها این موضوع هنوز ن فهمیده باشند. با مسل: تعدادی از ما انسانها انتقاد داریم که گنهان فقط عمال زشت است که می تونیم با عمل خوب درستش بکنیم. اما به این ترتیب گنهان ریشه نمیگیرند. اما تشخیص کتب مقدسب عمیق تر از آن است. عیسی گفت توبه کنید! با آن جمل عیسی دوست دارد که ما انسانها نزدیک و نزدیکتر به او خواهیم رفت. عیسی دوست ندارد که ما تنها یک و دو کار خوبی انجام میداهیم. اما او می خواست که کل زندگی ما از نفوذ او به نظر می رسد. به این دلیل توبه: در مورد چیزی غم انگیز نیست. نه! توبه چیزی خیلی خوشباخت است. چون ما میتونیم دوباره به عیسی بر گردیم.

لوتر متوجه شده بود که بخشش هدیه خدا برای ماست. مرتین لوتر تجربه می کرد که کلیسای در آن زمان بخشش را از دست رفته بود. چون او سعی کرد که کلیسا به عیسی باورد. و پیش عیسی دوباره بخشش در یافت کند. در کتب مقدس بخشش هم چیز حوشالکندهی است. شما می تونید این را در مورد دستن پسر گم شده چه گفته شد بفهمید: هنگامی که پسر در آن دستان برگشت, پدر گفت: " خوش و شجاع باشید ". "چون برادرت مرده بود و دوباره به زندگی بازگشته است." داستان پسر گم شده به ما بخشش گناه را دقیق توضیح می دهد. در اول آن دستان یک پسر ارزو کرد در نهایت از پدر ازاد زندگی کند. با جیب پر از پول، آن پسر ازخانه پدر فرار کرد. او تصور کرد که او کاملا ازاد شده است. او پیش خود فکر کرد که هر چیز میتوند با پول که دارد انجام داد. او فراموش کدر که پول واقعا متعلق به پدر بود.

آن پسر گم شده مانند انسانهای امروز است. امروز انسانها هم بدون خدا و بدون هیچ فکر از خدا و بدون بخشش گناهها، زندگی می کنند. در وقتی که انسانه از خدا فرار می کنند آنها بسیار خوشحال هستند. پسر گم شده هم خیلی خوشحال شود. دوستانش هم خیلی مخربان بودند. در زمانی که کیسش پر از پول بود، یک مرد بزرگ بود و همچنین فکر کرد: من یک قهرمان بزرگ هستم.

ما انسانها همیشه همانند پسر آن گمشده فکر می کنیم. ما فکر می کنیم که زندگیمان کامل حق است و هیچ ارتباطی با خدا ندارد. همه انسانها بی فکر زندگی می کنند و فراموش می کنند و خدا یک شخصی است که این زندگی به آنها داده است. در حالی که ما انسانها اینطور زندگی می کنیم, گناهن مسل تار عنکبوتی که ما را گرفتند. در یک زمان کوتاه کمالا در لانه عنکوت دستگیر می شویم. هر تار گنهان مای به خودی خود بی ضرر است و شما می توانید آن را با نفس خود از بین ببرید. از اول گنهان کمالا خطرناک نیست و به راحتی می توانیم از بین برود. با این حال، انسانها به عنوان پرواز در لانه عنکبوتی بسیار دستگیر شده است. و سپس، هنگامی که انسانها به طور کامل گرفتار شده اند و هیچ کس دیگری باقی نماندهند، در آن زمان شیطان ما را دوباره

فریب می داهد و می گوید: "شما نمی توانید به خدا برگردید. خداوند شما را هیچ وقت بخشش نخواهد کرد. من تعجب کردم که چرا پسر گمشده خیلی طولانی منتظر کرد پس به پدرش بازگشت. دروغ شیطانی بود که به او گفت شما نمیتوانید برگردد. واقعا شگفت آور است که شیطان هنوز هم با لانه عنکبوتی کار کرد. در ابتدا او ما را فریب می دهد و گفت که خدا وجود ندارد. و اگر به خاطره گناه احساس بد است، شیطان ما را فریب می دهد که هیچ بازگشتی به خدا وجود ندارد.

یک فیلسوف به نام ولتر، که در زندگی خود خدا را انکار کرد، بستر مرگ رسید. اما پس از آن او بخشش خدا را نمی خواست. پرستار از او گفت: "این وحشتناک بود. هرگز دوباره یک مرد بدون بخشش در بستر مرگ را خواهم دید! ولتر دوباره توبه و آمرزش نمی دانست. لنین پیش از مرگ برای نیاز بخشش از صندلی و پای میز بخشش گناه را خواست کرد. این بخشش دقیقا همان چیزی بود که مارتین لوتر به کلیسا میداد. توبه و بخشش بسیار آسان باشد. توبه مسل یک جشن است و در آن جشن حتی فرشتگان خوشحال هستند.

در داستان پسر گم شده، پدر که از پسر منتظر بود، وقتی که پسرش آمد، او را با صمیمانه به آغوش گرفت. اما برادر آن پسر گم شده بسیار متفاوت عمل کرد. و گفت این گناهکار است او شایستگی بخشش را نداشت. می ترسم که ما انسانها مسل این برادر عمل کرد. به این دلیل بخشش از خدا از دست رفت. این اراده خدا نیست. اراده خدا است که ما با همه برادران و خواهرمان بخشش دریافت کنیم. امین